

قریه زرغون شهر



در مرحله اول بابا زلی محمد از کوفه بغداد به این منطقه هجرت نموده بود. بعداً علی محد و ولی محمد که باهم برادر بودند به همراه سید ابولشاه صاحب دیوار سوار مرید بودند از شهر خازرم ایران نیز به این منطقه هجرت نموده بودند. به تعقیب آن سید مرتضی آغا که پادشاه خازرم ایران بود نیز به این منطقه هجرت نمود.

در این مرحله بین بابا زلی محمد ، علی محمد و ولی محمد یک اندازه جارو جنجال به میان آمد، سید ابولشاه صاحب دیوار سوار از اینکه پیر خانه بود موضوع نفاق را بین شان دور ساختند.

بعداً علی محمد و ولی محد مصروف اعمار یک قلعه که بنام علی خیل یاد شده اعمار نمود و در همین جا سکونت گزین گردیدند، در ضمن نسبت اعمار یک باب قلعه که بابا علی و ولی محمد اعمار گردید.

بخاطر اینکه سید ابولشاه صاحب از کرامات خداوندی برخوردار بود فعلاً در همین قریه دفن میباشد از علی محمد و ولی محمد پسران به دنیا آمد که هر یک ضیا خان، سیدخان، بقاخان، شاهی خان که از اولاده ضیاخان میباشد از ضیاخان جدا شده است از علی محمد یک پسر باقی مانده بود از اولاده علی محمد شیخ های دهنکه ، سر کاریز، و ملایم خیل باقی مانده است به همین سبب که قریه مذکور روز بروز از نفوسیت زیاد برخوردار بود و شغل زراعت را بسیار رشد دادند به همین خاطر که این منطقه یک منطقه بسیار سر سبز بود نام این قریه را بنام قریه زرغون شهر لهگر مسمی نمودند که تا فعلاً به همین نام یاد شده.



اولیای که در این قریه وجود دارند عبارت اند از خواجه صدر اولیا ، بی بی حاجی که مادر خواجه صدر اولیا میباشد اولیای دیگری بنام علی ملنگ صاحب که سکونت اصلی شان شهر غزنی بود به این قریه هجرت نموده بودند که فعلاً در این قریه دفن میباشد و از کرامات زیاد خداوندی میباشد که مسلمانان از هر منطقه بخاطر طواف زیارت مبارک به اینجا میایند و علی ملنگ صاحب در

اصل شغل نجاری داشت و از کرامات خداوندی برخوردار بوده که البته کرامات آن به خواجه صدر اولیا صاحب معلوم میباشد و در آن زمان طبق هدایت خواجه صدر اولیا صاحب مسلمانان که بخاطر زیارت نمودن میامدن هدایت فرمودند که در مرحله اول بخاطر زیارت و یا طواف نمودن به درگاه علی ملنگ صاحب رفته و بعداً به زیارت بنده مراجعه نمایند.

از کرامات علی ملنگ صاحب هویدا بوده که در دوره انقلاب هفت ثور ۱۳۵۷ روسها به این منطقه به تعداد هفتاد فیر توپ بالای زیارت علی ملنگ صاحب پرتاب نمودند ولی موفق نشده و شرمنده دوباره به قرارگاه خویش بازگشت نمودند.



ناگفته نباید گذاشت که قریه مذکور فعلاً از نفوسیت زیاد برخوردار بوده که تعداد فامیل‌های این قریه ۶۳۰۰ فامیل رسیده و هم یک باب لیسه عالی که دارای ۲۸۰۰ شاگرد و یک باب مکتب متوسطه و پنج باب مکتب نسوان و یک باب شفاخانه و یک باب کلینیک حیوانی وجود دارد این منطقه بسیار سر سبز بوده

میوه جات انگور، سیب ، زردآلو، بادام و غیره وجود داشت که به کشور های خارج صادر شده.

دیگر اینکه در زمان جهاد این منطقه یک مرکز ثوق الجیشی مجاهدین بوده با وجود تلفات مالی و جانی و کشتارهای عام که در این منطقه وارد میشد مردم شجاع و مسلمان پرست این قریه در تدارک و اعاشه مجاهدین زیاده ولایات کشور باهم همکاری می نمودند.

تحریر و جمع آوری متن از:

- محترم دگروال گل احمد
- و الحاج سلیم عابد پیمان